

دکتر رابرت یاربرو، رساله‌های یوحنا، جلسه ۲ب - مضامین الهیاتی در رساله‌های اول، دوم و سوم یوحنا

این دکتر رابرت یاربرو در حال تدریس در مورد رساله‌های یوحنا، تعادل زندگی در مسیح است. این جلسه شماره ۲ب، مضامین الهیاتی در رساله‌های اول، دوم و سوم یوحنا است.

ما مطالعه خود را در مورد نامه‌های یوحنا ادامه می‌دهیم و این کار را تحت عنوان «رساله‌های یوحنا، تعادل زندگی در مسیح» انجام می‌دهیم.

و این بخش دوم از نگاهی به مضامین الهیاتی در رساله‌های اول، دوم و سوم یوحنا است، و من قصد دارم این مضامین را در صدر، عنوان، حفظ کنم، و تاکنون به خدا، عشق و دانستن به عنوان مضامین اصلی الهیاتی پرداخته‌ایم. اینها سه کلمه‌ای هستند که بیشترین تکرار را در نامه‌های یوحنا دارند. خدا اولین کلمه پربسامد است، فعل «من دوست دارم» دومین کلمه پربسامد است، و فعل «دانستن به شیوه‌ای تجربی»، به طور کلی، سومین کلمه پربسامد است.

«به معنای «من باقی می‌مانم» یا «باقی می‌مانم» (meno) چهارمین کلمه‌ای که بیشترین تکرار را دارد، منو است. این کلمه دو دوجین بار در اول یوحنا و سه بار در دوم یوحنا تکرار می‌شود. و ما از یک سو به آنچه یوحنا به مؤمنان در حال مرگ می‌گوید، و از سوی دیگر به افرادی که سهل‌انگار هستند، یا آنچه ما کسانی می‌نامیم که دین بدون خونریزی دارند، دینی که از آنها نمی‌خواهد برای ایمانشان بمیرند، نگاه می‌کنیم.

و اجازه دهید کمی صفحه نمایشم را تغییر دهم، تا بتوانیم همه چیز را در یک صفحه داشته باشیم. پیام یوحنا برای مؤمنان در حال مرگ، تحت عنوان «باقی ماندن»، این است که کلام خدا ما را نجات می‌دهد. کلام خدا که از ابتدا ما را نجات می‌دهد، حضور زنده او را در ما آشکار می‌کند.

بنابراین، کلام خدا در ابتدا ما را نجات می‌دهد، اما سپس حضور پایدار خدا با ما وجود دارد و آن کلام زنده ما را در هر شرایطی به پسر و پدر نزدیک نگه می‌دارد. یوحنا در اول یوحنا ۲:۲۴ به خوانندگان خود می‌گوید: آنچه از ابتدا شنیدید در شما بماند یا در شما بماند.» و البته، آنچه می‌شنوید یک پیام یا یک کلمه است»

اگر آنچه از ابتدا شنیدید در شما بماند، شما نیز در پسر و پدر خواهید ماند. بنابراین، خدا از طریق کلام به ما می‌رسد و از طریق گشودن خود به روی کلام، ما با خدای پدر و پسر متحد می‌شویم. بنابراین این پیامی است که برای افرادی که با آزار و اذیت روبرو هستند، بسیار معنادار خواهد بود، زیرا به آنها اطمینان می‌دهد که آنچه آنها را به دردسر می‌اندازد، یعنی جایگاه آنها به عنوان مؤمنان به عیسی مسیح از طریق کلام یا پیام انجیل، آن کلام که آنها را با خداوند متحد می‌کند و آنها را در نزد افرادی که سعی در ریشه‌کن کردن جامعه مسیحی یا آزار و اذیت مؤمنان مسیحی دارند، منفور می‌کند، آن کلام در آنها می‌ماند و آنها به نوبه خود در پسر و پدر حضور دارند.

این کمی عرفانی است، اما می‌دانید که خدا یک روح است، و خدا فراتر از درک و دانش ماست. او فقط یک معادله ساده یا فقط یک شخصیت کیهانی بزرگ نیست. می‌دانید که خدا موجودی جاودانه و متعالی است.

اما ما و محدودیت و خلقتمان و حتی گناهکاری‌مان از طریق کلام، پاک می‌شویم و آن کلام باقی می‌ماند و کار خود را انجام می‌دهد و ما را با خدا متحد می‌کند. این پیام ایمانداران در حال مرگ است. شما امید دارید.

پیام برای افراد سهل‌انگار این است که در عصر حاضر، بسیاری از مسیحیان، در گیومه، تصمیم می‌گیرند از آموزه‌های روشن کتاب مقدس، یعنی آموزه‌های مسیح، فاصله بگیرند. و این نشان دهنده فقدان رابطه‌ای نجات‌بخش با خداست. و این امر به ویژه در صورتی صادق است که این فاصله‌گیری مربوط به آموزه‌های مسیح باشد.

یوحنا در دوم یوحنا آیه ۹ به کلیسا می‌نویسد، هر که از تعالیم مسیح پیروی نکند و در آن پایدار نماند، خدا را ندارد. هر که در آن پایدار بماند، هم پدر و هم پسر را دارد. بنابراین، به محوریت پابندی در اینجا توجه کنید.

پابندی یا عدم پابندی برای افراد سهل‌انگار بسیار مهم است، زیرا پابندی به کلام خدا همیشه یک چالش است. می‌دانید که نیروی جاذبه ما بیش از حد سهل‌انگانه است. بیش از حد تنبلانه است.

این به سوی میانه‌روی است. و خداوند ما را فرا می‌خواند، می‌دانید، به سوی رفاقت روزافزون با خود، و بلوغ روزافزون، و اثربخشی روزافزون در خدمت، و لذت روزافزون، و شادی روزافزون، و عشق روزافزون. بسیاری از چیزهای خوب و عالی که ما از طریق مسیح با خدا و با دیگر مؤمنان از آنها لذت می‌بریم.

و از ما دعوت شده است که در آن بمانیم. اما اگر در آن نمانیم، به راه خود ادامه می‌دهیم، و این را کمی بیشتر در دوم یوحنا توضیح خواهم داد. اگر به راه خود ادامه دهیم و در آموزه‌های مسیح نمانیم، پس خدا را نداریم، هر ادعایی که داشته باشیم.

بنابراین پابندی مهم است. پابندی به جایی که در ابتدا شروع کردیم، یعنی عیسی مسیح مصلوب و رستخیز کرد، و ایمان به او، و سپس گام برداشتن در زندگی با او، و توسعه آن رابطه، و آن خدمت، و آن پرستش. پنجمین کلمه پرکاربرد، کاسموس، جهان، یا نظم آفرینش است.

این کلمه ۲۳ بار در اول یوحنا تکرار می‌شود. پیام این کلمه برای ایمانداران در حال مرگ این است که دنیا، دنیا، به نظر دائمی می‌آید. دنیا می‌تواند بسیار با ابهت و بی‌رحم باشد.

هیچ ترحمی به آدم دست نمی‌دهد. و اگر بخواهم کشوری را که بیشترین حس آزار و اذیت را در آن دارم در نظر بگیرم، سودان خواهد بود، جایی که می‌دانید، در مجموع ماه‌های زیادی را در آنجا گذراندم. و آنجا اغلب خیلی گرم است، و خیلی ناراحت‌کننده است.

و بسیاری از مردم، وقتی من آنجا بودم، غذای کافی برای خوردن نداشتند. حتی آب تمیز هم اغلب به سختی پیدا می‌شد. بنابراین اگر مورد آزار و اذیت قرار بگیرید، ممکن است به نظر برسد که هیچ امیدی وجود ندارد.

دنیا از شما بزرگتر است. خیلی با ابهت و افسرده‌کننده است، مخصوصاً اگر جوان باشید. اگر مسیحی باشید در کشوری که مسیحیان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، اغلب امکانات شغلی ندارید، امکانات تحصیلی ندارید، همه به دانشگاه می‌روند و ممکن است اجازه ورود به دانشگاه را نداشته باشید مگر اینکه به دین غالب بگروید.

بنابراین دنیا می‌تواند دائمی به نظر برسد، اما پیام یوحنا این است که دنیا در حال گذر است و کسانی که به تغییرناپذیری خدا احترام می‌گذارند، در حضور تغییرناپذیر او زندگی خواهند یافت. دنیا این را نمی‌فهمد و از کسانی که بالاترین هدفشان خواست خداست و نه آرزوهای انسانی، متنفر است. پس انتظار این خصومت را داشته باشید.

خدا جبران خواهد کرد. او وفاداری شما را جبران خواهد کرد، و مخالفت دنیا را نیز جبران خواهد کرد. بنابراین، اول یوحنا ۲:۱۷.

دنیا به همراه امیالش در حال گذر است، و این کلمه اغلب به سمت میل جنسی حرکت می‌کند. لازم نیست محدود به آن باشد، اما مطمئناً آن را شامل می‌شود. و در بخش بزرگی از جهان، بخش زیادی از زندگی، انرژی زیادی حول لذت‌های نفسانی متمرکز است.

من اخیراً بررسی نکرده‌ام، اما در طول این سال‌ها، بارها و بارها شنیده‌ام که کلمه‌ای که بیشترین جستجو را در اینترنت در گوگل داشته، رابطه جنسی بوده است. و برای برخی افراد، این، می‌دانید، یکی از نیروهای محرک اصلی در زندگی‌شان است. یوحنا می‌گوید دنیا با خواسته‌هایش در حال گذر است، اما هر که اراده خدا را انجام دهد، تا ابد باقی می‌ماند.

خدا از طریق مسیح به جهان آمده است و از طریق کلام خود با جهان سخن گفته است، اما خود خدا متعالی است. خدا خارج از مکان، زمان و ماده وجود دارد. و اراده او اراده جهان نیست.

جهان مسیرها، آرزوها و اهداف خاص خود را دارد. و خدا می‌خواهد این جهان را نجات دهد، و او در حال تلاش برای نجات آن است. اما وقتی مسیح را می‌شناسیم، با رابطه‌ای با خدا و نیت او آشنا می‌شویم که بر نیات ما تأثیر می‌گذارد.

این مسیر زندگی ما را از هر جهتی تغییر می‌دهد. اما یکی از چیزهایی که وارد زندگی ما می‌شود، و باز هم این برای ایمانداران در حال مرگ است، اول یوحنا ۳:۱۳، تعجب نکنید برادران، که دنیا از شما متنفر است. و انجیل یوحنا از عیسی در مورد این صحبت می‌کند، و ما این را در کتاب اعمال رسولان در مواقع مختلف می‌بینیم که مسیحیان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

بنابراین، در رابطه با جهان، این پیام یحیی است. جهان در حال گذر است و باید انتظار تضاد نظم آفرینش را داشته باشید. پیام برای افراد سهل‌انگار این است که جهان پر از جایگزین‌های مذهبی و تصاویر نادرست است.

دنیا به این ارواح، این انگیزه‌ها، این اعتقادات، این باورها، فرصت شنیدن می‌دهد. می‌توانید به وبسایت‌های زیادی سر بزنید و در مورد اینکه چه چیزی در حال حاضر مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بینش پیدا کنید؟ چه چیزی در حال حاضر بیشترین بازدید را دارد؟ و یوحنا پیامی دارد: از افتادن در دام جایگزین‌های مذهبی و تحریفات مذهبی برحذر باشید. اول یوحنا ۴:۱، عزیزان، به هر روحی ایمان نیاورید، بلکه ارواح را بیازمایید تا ببینید آیا از جانب خدا هستند یا خیر.

زیرا بسیاری از پیامبران دروغین به جهان رفته‌اند. می‌دانید، افراد زیادی وجود دارند که پر از ایده‌ها، انگیزه‌ها و اعتقاداتی هستند که قرار نیست مردم را به سوی خدای حقیقی و زنده هدایت کنند. او در اول یوحنا ۴:۵ ادامه می‌دهد، آنها، این افراد با اعتقادات غیر کتاب مقدسی، از دنیا هستند. بنابراین، آنها از دنیا سخن می‌گویند و دنیا به آنها گوش می‌دهد.

قوم خدا مردمی هستند که به کلام خدا گوش فرا داده‌اند و آن کلام آنها را به سمت رابطه‌ای با خدا سوق می‌دهد و جایگاه آنها را در جهان تغییر می‌دهد. حتی می‌توان گفت که آنها در دنیای دیگری زندگی می‌کنند. آنها همزمان در دو دنیا زندگی می‌کنند.

یک جهان پادشاهی خدا وجود دارد، و بعد جهانِ خب، همه ما می‌دانیم که جهان چیست، اما رساله اول یوحنا پر از این مضمون الهیاتی جهان‌های متعارض است. یکی دیگر از مفاهیم و کلمات مهم الهیاتی در نامه‌های یوحنا، کلمه «پسر» است. این کلمه ۲۲ بار تکرار شده است.

همیشه با حرف بزرگ نوشته می‌شود، به این معنی که درباره عیسی صحبت می‌کند. کلمه ESV این کلمه در اصلی برای عیسی یا مسیح در نامه‌های یوحنا، پسر است. پیام برای مؤمنان در حال مرگ این است که ایمان به پسر، تضمین حیات جاودان را به همراه دارد، زیرا او خدای حقیقی و حیات جاودان است.

حال، وقتی درباره حیات جاودان صحبت می‌کنیم، همیشه باید خیلی مراقب باشیم که به یاد داشته باشیم که فقط درباره بهشت صحبت نمی‌شود. فقط درباره مدت زمان حیات، که ابدیت در آینده است، صحبت نمی‌شود. منظورم این است که این یک حقیقت شگفت‌انگیز است، اما نحوه ارائه حیات جاودان در انجیل یوحنا، فقط جنبه آخرت‌شناختی ندارد.

این فقط مربوط به پایان نیست، بلکه چیزی است که گاهی اوقات تحقق یافته نامیده می‌شود، اینکه کیفیت زندگی در حال حاضر افزایش یافته است. این کیفیت از طریق حضور مسیح در اینجا و اکنون دگرگون شده است، بنابراین ما فقط منتظر مرگ نیستیم تا از زندگی ابدی لذت ببریم. ثمره زندگی ابدی از قبل در این زندگی دیده می‌شود و ایمان به پسر، تضمین آن زندگی را به همراه دارد.

این شهادتی است که در اول یوحنا ۵، از آیه ۱۱ آمده است. این شهادت یا گواهی است که خدا به ما حیات جاودان داده است و این حیات در پسر اوست. این را به شما که به نام پسر خدا ایمان دارید می‌نویسم تا بدانید که حیات جاودان دارید.

این زندگی که شما دارید، پیش‌زمینه‌ای از زندگی با خداست که در عصر آینده خواهید داشت. چند آیه بعد در ۵:۲۰، یوحنا می‌نویسد: «ما می‌دانیم که پسر خدا آمده است و او به ما فهم داده است.» در اینجا، این کلمه برای دانش، کلمه‌ای غیرمعمول است.

او به ما فهم داده است تا او را که حقیقت است بشناسیم. فکر می‌کنم شما می‌خواهید این کلمه را به عنوان فهم «ترجمه کنید. او به ما بصیرت داده است»

می‌دانید، این فقط دانش انواع باغبانی نیست، مثلاً اینکه چطور ماشین چمن‌زنی خود را سرهم می‌کنید یا چطور یک لاستیک پنجر را تعمیر می‌کنید، بلکه این یک بینش درونی است، تا بتوانیم او را که حقیقی است بشناسیم، و ما در او هستیم که حقیقی است، در پسرش، عیسی مسیح. او خدای حقیقی و حیات جاودان است. بنابراین، پیام مربوط به پسر در نامه‌های یوحنا گسترده است زیرا ۲۲ بار تکرار می‌شود، اما از نظر پیام برای مؤمنان در حال مرگ، می‌دانید، اگر تهدید مرگ وجود دارد، پس مسئله، حیات است.

با زندگی‌ام چه کنم؟ چون در خطر است، و پسر، تضمین حیات جاودان را به همراه دارد، چون پسر است که حیات می‌بخشد، و پسر است که ما را با خدا پیوند می‌دهد، و در واقع، همانطور که اینجا می‌گوید، او خدای حقیقی و حیات جاودان است. پیام برای سهل‌انگاران این است که ایمان نجات‌بخش، ایمان به خدایی که رستگاری را برای شما به ارمغان می‌آورد، پذیرش منفعلانه‌ی برخی از ایده‌های مذهبی نیست. فقط این نیست که بگوییم من به خدا ایمان دارم.

این پیروی از یک قانون اخلاقی نیست. نمی‌دانم چند بار شنیده‌ام که مردم می‌گویند، خب، من به خدا اعتقاد دارم و سعی می‌کنم زندگی خوبی داشته باشم، یا فکر می‌کنم ده فرمان را رعایت کرده‌ام، که هیچ‌کس ندارد. اما مردم این را می‌گویند، یا من به بدی اکثر مردم نیستم، چیزی شبیه به این. این‌ها ایمان نجات‌بخش نیستند.

این رد یا بی‌تفاوتی یا خصومت با عیسی به عنوان مظهر مشخص خدای پدر است. اگر ما فقط به ایده‌های مذهبی تن دهیم، یا فقط از یک قانون اخلاقی پیروی کنیم، یا فقط فکر کنیم که به بدی دیگران نیستیم، این رد عیسی است. ما فکر می‌کنیم که به این طریق نجات یافته‌ایم، یا این بی‌تفاوتی نسبت به عیسی است، یا حتی خصومت با عیسی است.

دشمن شمردن عیسی و مقام او به عنوان پادشاه، یا مسیح، یا مسیح موعود، انکار خداست. دروغگو کیست جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ این دجال است که پدر و پسر را انکار می‌کند. انکار پسر، انکار پدر است.

کسی که پسر را انکار می‌کند، پدر را ندارد. و البته، وقتی می‌گویند پسر را انکار می‌کند، درباره عیسی در ۲:۲۳، کمالش، عیسی در کاری که برای انجام دادنش آمد و کاری که انجام داد صحبت می‌کند. عیسی که اکنون در دست راست خدا، پدر، برای قوم خدا شفاعت می‌کند.

هر که پسر را اقرار کند، پدر را نیز دارد. یادم می‌آید سال‌ها پیش با کسی برخورد کردم که فکر می‌کرد موهبت شفا دارد و می‌گفت که موهبت شفای بیماران سرطانی را دارد. و این شخص داستان‌ش را برای من تعریف کرد چون مشکل داشت، چون در طول سال‌ها چندین بار در کلیساها بوده و این موهبت شفا را داشته و به نقاط مختلف کشور می‌رفته است.

این اتفاق در اسکاتلند افتاد. و می‌دانید، آنها دستشان را روی کسی می‌گذاشتند و برایش دعا می‌کردند، و او گفت که، می‌دانید، واقعاً حس گرمی داشت، و سپس آن شخص از سرطان شفا می‌یافت. اما او گفت که پس از چند سال در کلیسا، او را بیرون می‌اندازند، و او نمی‌توانست بفهمد چرا.

و خب، او از من سوالی داشت. من دانشجوی الهیات بودم و ما با هم گفتگویی را شروع کردیم. و او این داستان طولانی و مفصل را برای من تعریف کرد، و خب، به نظرم مثل این بود که کلیسا از این موهبت برخوردار باشد و مردم او را از کلیسا بیرون کنند.

اما او مدام می‌گفت، می‌خواهم مردم را به سوی خدا بیاورم. می‌خواهم از شفایم برای آوردن مردم به سوی خدا استفاده کنم. و من گفتم، خب، می‌دانید، بیاوید به اصل ماجرا بپردازیم.

گفتم، تو همچنان می‌آیی و مردم را به سوی خدا می‌آوری. این باعث می‌شود به این آیه فکر کنم. مسیح، این اول پطرس ۳:۱۸ است، مسیح نیز یک بار برای همیشه، یعنی یک بار برای همیشه، برای گناهان مرد، آن عادل منحصراً به فرد، آن عادل، برای ظالمان کثیر، تا ما را به سوی خدا بیاورد.

در جسم کشته شده، اما در روح زنده گشته است. من آن آیه را برایش نقل کردم و گفتم: «این چه ربطی به آوردن مردم به سوی خدا توسط تو دارد؟» و چهره‌اش تغییر کرد و گفت: «این بخشی از کتاب مقدس است که من با آن موافق نیستم. می‌دانید، او باور نداشت که مردم گناهکار هستند».

او باور نداشت که گناهکار است. او معتقد بود که این قدرت را از جانب خدا دارد، و منظورم این است که، چطور ممکن است با خدا صادق نباشید اگر قدرتی از جانب خدا دارید که سرطان را درمان می‌کند؟ بنابراین او اصلاً با صلیب مسیح موافق نبود و وقتی این موضوع در گفتگوی ما مطرح شد، در واقع بسیار خصمانه برخورد کرد. ما در حال گذراندن دوره‌ای از گفتگو بودیم، تا زمانی که به شهادت او در مورد قدرت شفابخشی‌اش گوش می‌دادم، او مردم را به سوی خدا می‌آورد.

اما وقتی خدا بر اساس پسری که برای رساندن ما به خدا مُرد، تعریف شد، ترسناک شد، چون در واقع او یک پلیس بود، و وقتی یک پلیس از شما عصبانی می‌شود، ترسناک است. بنابراین، این پیام خدا در رابطه با پسر، برای افراد سهل‌انگار است. اگر پسر را اعتراف نکنید، پدر را ندارید، و اگر نور و خوبی خدا را نداشته باشید، تاریکی و خطر تاریکی را خواهید داشت.

عشق کلمه بعدی است که بیشترین تکرار را دارد و بر اساس این کلمه آگایه، ۱۸ بار در اول یوحنا، ۲ بار در دوم یوحنا، ۱ بار در سوم یوحنا، این پیام یوحنا برای مؤمنان در حال مرگ است. عشق خدا پناهگاه مؤمنان است. عشق او ما را از ترس داوری او فراتر می‌برد، زیرا عشق او در ما کامل می‌شود.

انسان‌شناسان به ما می‌گویند که یک تجربه جهانی بشر، احساس گناه است و فرهنگ‌های مختلف روش‌های متفاوتی برای مقابله با گناه، به ویژه انکار گناه، دارند، اما این احساس وجود دارد. و اگر در مورد سقوط هواپیما بخوانید، من مجله‌ای به نام مجله پرواز می‌گیرم و اغلب گزارش‌هایی از سقوط هواپیما وجود دارد، و وقتی پرواز را ضبط می‌کنند، وقتی آن جعبه سیاه را در یک سقوط هواپیما پیدا می‌کنند، و می‌فهمند که خلبان درست قبل از مرگ همه چه گفته است. شگفت‌انگیز است که چند بار آخرین کلمات این خلبانان، «خدای من» است.

ناگهان، مردان یا زنانی که ممکن است اصلاً مذهبی نباشند، وقتی به نقطه مرگ می‌رسند، ناگهان این آگاهی از خدا را دارند، آگاهی از داوری احتمالی، اینکه وقتی بمیرم چه اتفاقی خواهد افتاد. اما ما دیدیم که اطمینانی از رستگاری از طریق پسر وجود دارد، اما یکی از دلایلی که این اطمینان وجود دارد این است که شناخت پسر ما را به رابطه‌مان با خدا می‌رساند، خدایی که در اول یوحنا ۴ عشق نامیده شده است. این یکی از ویژگی‌های بارز اوست. خدا عشق است و آن عشق ما را بالاتر از ترس از داوری خدا قرار می‌دهد، زیرا آن عشق در ما کامل شده است.

بنابراین، ما به این شناخت رسیده‌ایم، من از اول یوحنا ۴ نقل قول می‌کنم، ما به این شناخت رسیده‌ایم و به عشقی که خدا به ما دارد ایمان آورده‌ایم. نه فقط به حقیقت آن ایمان داشته باشیم، بلکه آن را بشناسیم و به آن اعتماد کنیم. کلمه "باور" می‌تواند "اعتماد" نیز باشد.

خدا محبت است و هر که در او ساکن باشد، آن کلام در خداست، آن کلام در اوست. محبت از این طریق در ما کامل می‌شود تا برای روز داوری اطمینان داشته باشیم. زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان هستیم.

همانطور که او هست، ما نیز در این دنیا هستیم. نوعی اتحاد با خدا وجود دارد. خدا مطمئن است، خدا پر از عشق است، خدا پر از شفقت است، و همانطور که او هست، ما در این دنیا هستیم.

در عشق ترسی وجود ندارد، اما عشق کامل ترس را بیرون می‌کند، زیرا ترس با مجازات سر و کار دارد و هر که می‌ترسد، در عشق کامل نشده است. یوحنا می‌گوید اگر ما در عشق کامل شده باشیم، این ما را از ترس داوری که در غیر این صورت ممکن است داشته باشیم، رها می‌کند. این برای مؤمنان در حال مرگ مهم است، زیرا مؤمنان در حال مرگ، بدون شک، منظورم این است که هیچ کس نمی‌خواهد بمیرد، و مردم می‌توانند فکر کنند که اتفاقات بدی برایشان می‌افتد، اینکه دستگیر می‌شوند، مورد بازرسی قرار می‌گیرند، خانه‌شان سوزانده می‌شود، می‌توانند فکر کنند که این داوری خداست، و اغلب آزار و اذیت داوری خدا نیست.

آزار و اذیت به دلایلی که ما نمی‌فهمیم اتفاق می‌افتد، اما در عشق به خدا، ما هیچ ترسی از قضاوت خدا نداریم. اگر وب‌سایت‌ها را می‌خوانید، یا اگر در بخشی از جهان با آزار و اذیت زیاد زندگی می‌کنید،

وبسایت‌هایی وجود دارند که می‌توانید بخوانید، مانند صدای شهدا، و اغلب می‌توانید شهادت افرادی را که خانه‌هایشان سوزانده شده است، یا افرادی که دستگیر شده‌اند، یا افرادی که شکنجه شده‌اند، بخوانید، و اغلب این شهادت‌ها سرشار از حس عشق هستند. حس غم و اندوه و آسیب روحی وجود خواهد داشت، اما، اغلب این حس نیز وجود خواهد داشت که، من با خدا ادامه می‌دهم، من با ایمانم به مسیح ادامه می‌دهم می‌دانم که او مرا دوست دارد، او با من است، حتی اگر این اتفاق برای من افتاده باشد.

یوحنا پیامی برای افراد سهل‌انگار دارد. اگر عشق ما واقعاً به چیزی غیر از، یا بیشتر از، پدری که پسر را فرستاده است معطوف باشد، حتی اگر به مسیح ایمان داشته باشیم، روح خود را به خطر می‌اندازیم. این نوعی پژواک عهد جدید از اولین فرمان عهد عتیق است، هیچ خدای دیگری قبل از من یا در کنار من نداشته باش.

یوحنا می‌گوید، دنیا را دوست نداشته باشید، به دنیا یا چیزهای دنیا دل نبندید. اگر کسی دنیا را دوست داشته باشد، محبت پدر در او نیست. و بنابراین، می‌دانید، این یک جمله‌ی سیاه و سفید است.

باید به یاد داشته باشیم که کتاب مقدس می‌گوید، خدا جهان را چنان دوست داشت، یوحنا ۳:۱۶. اگر خدا جهان را به نوعی دوست داشت، پس به نوعی قوم خدا می‌توانند محبت و تأیید جهان را ابراز کنند. اما یوحنا می‌گوید، محبت خود را به جهان و چیزهای جهان به گونه‌ای قرار ندهید که با محبت شما به خدا و پسر رقابت کند.

اگر کسی دنیا را دوست داشته باشد، آنگاه به این معنای نهایی، عشق پدر در او نیست. گناه کلمه برجسته دیگری است که ۱۷ بار در نامه یوحنا، نامه اول، آمده است. پیام او برای مؤمنان در حال مرگ این است که مؤمنان با امید با مرگ روبرو شوند، زیرا آنها بخشش گناهان خود را می‌دانند.

خدا عشق خود را با فرستادن پسرش برای فرو نشانیدن خشم خدا علیه گناه نشان می‌دهد. مشارکت با دیگران در مسیح، در رنج و سختی، قدرت می‌بخشد. یوحنا می‌گوید، اگر در نور گام برداریم، همانطور که او در نور است، با یکدیگر مشارکت داریم.

و خون عیسی، پسر او، ما را از هر گناهی پاک می‌کند. بعداً، اول یوحنا ۴:۱۰ می‌گوید: «محبت در این است.» نه اینکه ما خدا را محبت کرده‌ایم، بلکه او ما را محبت کرده است.

این خیلی مهمه، چون هر کسی که انسانه، می‌دونید، یه جورایی معمولیه، هوش معمولی، زندگی معمولی، همه ما عشق رو می‌شناسیم. منظورم اینه که حیوانات اهلی عشق رو می‌شناسن. ما سگ‌ها رو دوست داریم، ما گربه‌ها رو دوست داریم، ما بچه‌ها رو دوست داریم، ما همدیگه رو دوست داریم، می‌دونید، همه عشق رو می‌شناسن.

اما این یک عشق خاص است، در این عشق است، نه اینکه ما خدا را دوست داشته باشیم، بلکه او ما را دوست داشته و پسرش را فرستاده تا کفاره گناهان ما باشد. او جریمه گناهان ما را بر روی صلیب پرداخته. بنابراین، ما امید داریم، زیرا خدا در پسر با گناهان ما برخورد کرده است.

ما بخشش گناهان را داریم. این همان معنای کفاره است. مجازات گناهان ما توسط عیسی مسیح متحمل شد.

اینجا پیامی برای افراد سهل‌انگار وجود دارد. برخی آگاهانه مرتکب گناه می‌شوند، با این حساب که همیشه می‌توانند بخشیده شوند. عیسی مسیح ظاهر شد تا گناه را در زندگی ما کاهش دهد، نه اینکه با آسان‌گیری بی‌پایان، گناه را تشویق کند.

اول یوحنا ۳:۴ و ۵ می‌گوید: «هر که گناه را به عمل می‌آورد، بی‌قانونی را نیز به عمل می‌آورد. گناه، بی‌قانونی است.» و در مورد این آیات و این کلمات بحث‌های زیادی وجود دارد، اما من متوجه خواهم شد که کلمه بی‌قانونی در اینجا «آنومی» است.

ناماس قانون است و آنومیا قانون نیست. و این به طور قابل قبولی به ایده تورات و یا نوموس در دوران عهد عتیق مربوط می‌شود، و صدها بار در عهد عتیق یونانی، وقتی قوم خدا از خط خارج می‌شدند، به خصوص با بت‌پرستی، آنومیا نامیده می‌شد. و گناهی وجود دارد که ممکن است تا حدودی سهواً مرتکب شویم.

یعقوب می‌گوید همه ما از بسیاری جهات لغزش می‌خوریم. پولس می‌گوید همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند. بنابراین، برای اینکه انسان باشیم، مرتکب گناه خواهیم شد.

اما گناهی هم هست که آنومیا (بی‌هنجاری اجتماعی) نام دارد. گناه دیگر، سرکشی و طغیان علیه خداست. هر کسی که گناه را به عنوان یک عمل انجام می‌دهد، در واقع مرتکب بی‌قانونی شده است.

گناه بی‌قانونی است. می‌دانید، او ظاهر شد تا گناهان را بردارد، و در او هیچ گناهی نیست. بنابراین کسانی که ممکن است سهل‌انگار باشند و در گناهان خود ساکن باشند، ما می‌گوییم، خب، می‌دانید، من به عیسی ایمان دارم و معتقدم که لطف او بی‌پایان است، بنابراین حتی اگر من به طور مشخص، عادتاً و مکرراً گناه می‌کنم تنها کاری که باید انجام دهم این است که به گناهم اعتراف کنم و سپس او به بخشیدن من ادامه خواهد داد.

و این یک بازی خطرناک است. در انگلیسی، ما به آن بازی مرغ و خروس می‌گوییم. وقتی در جاده‌ای به سمت یکدیگر رانندگی می‌کنید و می‌بینید چه کسی اول از همه کنار می‌رود، نمی‌خواهید با خدا بازی مرغ و خروس راه بیندازید و بگویید، خب، من به تو ایمان دارم، بله، تو به من می‌گویی گناه نکنم، اما من به گناه کردن ادامه می‌دهم چون می‌دانم که به تو ایمان دارم و تو نمی‌توانی مرا از خود دور کنی.

این نوع باور، باور واقعی به خدا نیست. این کلمه دیگری برای «نه» است. کلمه قبلی «جینوسکو» بود که از نظر فراوانی، سومین کلمه است.

این اویدا، نهمین فرکانس است. و از نظر این دانستن، این پیام یوحنا برای مؤمنان در حال مرگ است. امید مسیحیان بازگشت پروردگار و ناجی ما است و روزی خواهد رسید که او را در جلالش خواهیم دید.

و این انتظار مطمئن، مؤمنان را در ساعات آزمایش و فقدان پشتیبانی می‌کند. اول یوحنا ۳:۲، عزیزان، و عزیزان را در نامه‌های یوحنا نادیده نگیرید. برخی ترجمه‌ها با دوستان همراه هستند، اما کلمه «عزیز» به عشق خدا و ادعای او اشاره دارد.

خیلی به کلمه برگزیدگی نزدیک است. می‌دانید، خدا محبتش را به یک قوم معطوف می‌کند، و چیزی که ما را به هم پیوند می‌دهد این نیست که ما دوست هستیم. چیزی که ما را به هم پیوند می‌دهد این است که خدا ما را دوست خود قرار داده است.

او پدر ما می‌شود و ما برادر و خواهر هستیم. ما یک هویت خانوادگی جدید داریم. و یوحنا، به عنوان رهبر جامعه مسیحی، معشوق را مخاطب قرار می‌دهد.

او کسانی را که عشق خدا را در مسیح می‌شناسند، خطاب قرار می‌دهد و البته خودش یکی از آنهاست. عزیزان، ما اکنون فرزندان خدا هستیم و آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است. اما می‌دانیم که او از کلمه اولیه جینوسکو استفاده نمی‌کند، که بیشتر تجربی است، زیرا تا زمانی که اتفاق نیفتد، نمی‌توانید آن را بشناسید.

اما اویدا، می‌توانی این تصور و اعتقاد روشن را داشته باشی که وقتی او ظهور کند، ما مانند او خواهیم بود زیرا او را آنطور که هست خواهیم دید. وقتی از این دنیا به دنیای برویم که به خاطر مسیح، جلال خدا بدون هیچ واسطه‌ای برای ما قابل مشاهده خواهد بود، چیزی جادویی وجود خواهد داشت. اکنون جلال او را، می‌دانید، پنهان می‌بینیم.

انگار از میان ابرها پیداست. ما خورشید را می‌بینیم. ما زیبایی را می‌بینیم.

ما عشق را می‌بینیم. ما چیزهای زیادی در این دنیا می‌بینیم، چه به عنوان افراد عادی و چه به عنوان افراد مسیحی، اما هنوز خدا را آنطور که واقعاً هست نمی‌بینیم. اما می‌دانیم که خواهیم دید، و این پیامی است برای مؤمنان در حال مرگ.

شما در حال حاضر این ظرفیت را دارید که اعتقاد راسخی را در خود پرورش دهید که تا زمانی که تغییر کنید و مانند او شوید، شما را یاری خواهد کرد. پیامی برای افراد سهل‌انگار، نشانه حضور مسیح، عشق پرشور و فداکارانه به دیگران است. فقدان این عشق به این معنی است که فرد در مسیح زندگی نیافته است.

اول یوحنا ۱۴:۳، ما می‌دانیم که از مرگ به حیات رسیده‌ایم. بنابراین، در اینجا همان نوع دانش در مورد آنچه هنگام ظهور او اتفاق خواهد افتاد، وجود دارد. ما همان اعتقاد، همان سطح، همان کیفیت یقین را داریم که از مرگ به حیات رسیده‌ایم، زیرا برادران را دوست داریم.

این اعتقادی عمیق‌تر از صرفاً مشاهده‌ی تجربه است. این اعتقادی به اصل و واقعیت عشق خداست که قابل مشاهده است، به خصوص، فکر می‌کنم، وقتی به مرور زمان نگاه می‌کنید. می‌دانید، من الان سال‌هاست که در این مسیر هستم.

می‌توانم به دهه‌ها گذشته نگاه کنم و عشق بین مؤمنان نسبت به خودم و همسرم، نسبت به یکدیگر را ببینم. ما در طول این سال‌ها در کلیساها و مکان‌های مختلفی بوده‌ایم و دیده‌ایم که مسیحیان در طول این سال‌ها چگونه زندگی می‌کنند. آنها از مرگ به زندگی رسیده‌اند.

آنها یکدیگر را دوست دارند. هر که دوست ندارد، در مرگ ساکن است. آنها این دانش را ندارند، و فقدان آن دانش به این معنی است که شما خدا را نمی‌شناسید.

یک دهم، داریم به دوازدهمین کلمه‌مان نزدیک می‌شویم، اما این دهمین کلمه است، شنیدن. فعل را ۱۴ بار می‌شنوم. پیام یحیی برای مؤمنان در حال مرگ این است که خدا وقتی قومش به او فریاد می‌زنند، می‌شنود.

ما گوش شنوای او هستیم. خدا به ما گوش می‌دهد و مطابق قدرت و هدف خود، بهترین، عاقلانه‌ترین و عاشقانه‌ترین کار را انجام می‌دهد، وقتی که در مواقع خطر و نیاز دعا می‌کنیم. اگر از مرگ می‌ترسیم، این خطر است.

این چیزی است که لازم است. یوحنا می‌گوید این اعتمادی است که ما به او داریم اگر چیزی مطابق اراده‌اش بخواهیم، او ما را می‌شنود. حال، خدا همه چیز را می‌شنود، اما این کلام یا این حقیقت است که خدا ما را می‌شنود و او بر اساس قدرت و هدف خود، بهترین، عاقلانه‌ترین و محبت‌آمیزترین را اجرا خواهد کرد.

اگر بدانیم که او هر چه بخواهیم ما را می‌شنود، می‌دانیم که درخواست‌هایی از او داریم. هر درخواست مسیحی در دعای ربانی ذیل عبارت «اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود» خلاصه شده است. هیچ مسیحی نباید یا نباید بخواهد که برخلاف اراده خدا دعا کند، بنابراین هر دعایی که می‌کنیم، ذیل عنوان «خداوند، پادشاهی تو بیاید، اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود» قرار دارد.

نام تو مقدس باد. بنابراین، ما اطمینان داریم که می‌دانیم اگر او ما را بشنود، آنچه را که می‌خواهیم، دریافت کرده‌ایم. آنچه ما می‌خواهیم اراده اوست.

سوال در دعا این است که آیا او ما را می‌شنود؟ آیا به ما گوش می‌دهد؟ آیا اهمیتی دارد؟ آیا دعا کاری انجام می‌دهد؟ و یوحنا این کار را می‌کند، او این اطمینان را که خدا می‌شنود، افزایش می‌دهد. این بدان معنا نیست که ما می‌توانیم با یک اشاره او را وادار به انجام هر کاری که می‌خواهیم بکنیم. این بدان معناست که او هر آنچه را که با آن به حضورش می‌رویم در نظر می‌گیرد، و اغلب او به ما می‌آموزد که در جهت او حرکت کنیم، و به ما می‌آموزد که چیزها را بیشتر مطابق با آنچه او برای ما می‌خواهد ببینیم، از طریق دعا‌هایی که می‌گوید، بیایید دست نگه داریم و مدتی در مورد آن فکر کنیم.

با پشتکار در دعا، ما می‌شنویم، می‌دانیم که او ما را می‌شنود. پیام یحیی برای افراد سهل‌انگار، عشق به خدا و اطاعت از خدا و احکام اوست که به هم مرتبط هستند. آنها متضاد نیستند.

عشق به خدا، اطاعت از خدا. پایین آوردن استانداردهای اخلاقی با این فرض که خدای مهربان برای اطاعت از اراده‌اش برای قومش غیرت ندارد، اشتباه است. دوم یوحنا ۶ می‌گوید، این عشق است که ما طبق احکام او رفتار کنیم.

این همان حکمی است که از ابتدا شنیدید، تا در آن گام بردارید. بعداً بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد، در مورد پیوند بین ایمان و محبت و نگه داشتن احکام، اما این پیام اینجاست. همانطور که از ابتدا شنیدید، باید در آن زندگی کنید.

فرمان، البته، ۱۴ بار، پیامی برای مؤمنان در حال مرگ. وفاداری به فرامین خدا می‌تواند در بسیاری از محیط‌های اجتماعی منجر به سوءاستفاده و دستگیری شود، اما مؤمنان موظفند به مسیح ایمان داشته باشند و دیگران را دوست داشته باشند. در این عشق، خدا با ماست و ما با خدا هستیم.

خداوند به وسیله روح القدس خود، اطمینان زنده می‌دهد. این حکمی است که ما به نام پسرش عیسی مسیح، ایمان داریم و یکدیگر را دوست بداریم، همانطور که او به ما امر کرده است. هر که احکام او را حفظ کند در خدا ساکن است و خدا در او، و از این طریق می‌دانیم که او به وسیله روحی که به ما داده است، در ما ساکن است.

این پیامی برای کسانی است که به مسیح وفادارند و ممکن است تاوان آن را بپردازند. پیام برای افراد سهل‌انگار این است که ایمان به مسیح، اشتیاقی برای یادگیری و انجام دستورات او ایجاد می‌کند، زیرا احکام خدا نشانه‌ای از عشق اوست. همانطور که یاد می‌گیریم اراده او را انجام دهیم، آن احکام دیگر بار سنگینی نیستند.

اگر رعایت آنها برای کسی بیش از حد سنگین باشد، نشانه‌ای از ضعف یا فقدان ایمان به مسیح است. اول یوحنا ۲:۴، هر که گوید او را می‌شناسم اما احکامش را نگه ندارد، دروغگو است و حقیقت در او نیست. اول یوحنا ۵:۳، این محبت خداست که احکام او را نگه داریم و احکام او سنگین نیستند.

بنابراین، ممکن است کمی تعجب‌آور باشد که فرمان اینقدر مکرراً تکرار می‌شود. با این حال، خواهیم دید که، دلیلی برای این امر در دیدگاه یوحنا نسبت به زندگی مسیحی و زندگی متعادل مسیحی وجود دارد. با این حال فعلاً می‌توانیم ببینیم که این نوعی هشدار به افراد سهل‌انگار است اگر نسبت به فرمان‌های خدا بی‌تفاوت باشیم یا به نوعی فکر کنیم که، می‌دانید، ما عاشق عشق هستیم، اما خیلی به فرمان‌ها اهمیت نمی‌دهیم، اما اشکالی ندارد چون عشق خداست. او همچنین خدایی است که برای قوم خود تعالیم و راهنمایی‌هایی دارد تا پدر، است که ۱۴ بار تکرار شده است، pater، از آنها پیروی کنند. آخرین کلمه‌ای که بیشترین تکرار را دارد

در ۱۳ بار، خدای پدر. در اول یوحنا، چهار بار در دوم یوحنا تکرار می‌شود. پیام خدا برای مؤمنان در حال مرگ یا پیام یوحنا برای مؤمنان در حال مرگ، شکوه و عظمت عشق پدر است که به واسطه آن ما از طریق فداکاری مسیح فرزندان او شدیم و در نهایت به روح ما پایداری و اطمینان از محافظت الهی بخشید

ما همچنین بیگانگی خود را از جهان درک می‌کنیم و انتظار داریم، زیرا جهان از پدر بیگانه است. یوحنا می‌نویسد، ببینید پدر چه نوع عشقی به ما داده است که ما باید فرزندان خدا نامیده شویم، و ما نیز چنین هستیم. این جمله‌ای از شگفتی و حیرت است که عشق عظیم پدر باید نه فقط از نظر مزایا، بلکه از نظر یک اتحاد شخصی به ما عطا شود تا ما بخشی از خانواده او شویم، فرزندان او شویم

دلیل اینکه دنیا ما را نمی‌شناسد این است که او را نمی‌شناخت. بنابراین این پیامی برای مؤمنان در حال مرگ است. این از خصومت انسان نسبت به قوم خدا منطقی به نظر می‌رسد، زیرا آنچه برخی را در مورد قوم خدا خصمانه می‌کند این است که آنها با خدا رابطه دارند.

آنها عشق به خدای پدر را می‌شناسند، و این باعث ایجاد دشمنی و گاهی حسادت و انگیزه‌هایی برای انتقام از سوی کسانی می‌شود که خدا را نمی‌شناسند. پیام او برای افراد سهل‌انگار این است که عشق به پدر و عشق از جانب پدر، نقطه مقابل عشق به دنیا است. اگر اعتراف کنید که پسر، خداوندگار جهان است و اگر اعتراف کنید که پسر گنج نجات‌بخش ما در جهان است، داشتن پدر و نه چیزی کمتر از آن، شرط لازم است.

دوست داشتن بیش از حد دنیا، جدا کردن خود از عشق پدر است. و من قبلاً این آیات را خوانده‌ام، اما این سخنرانی را با این آیات به پایان می‌رسانم. پیامی برای افراد سهل‌انگار

دنیا و آنچه در دنیا است را دوست نداشته باشید. اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در او نیست. زیرا هر چه در دنیا است، از خواهش‌های نفسانی و خواهش‌های چشم و غرور زندگانی، نه از پدر، بلکه از دنیا است.

باشد که این سخنان را به دل بنشینیم، و اگر در یک محیط کلیسای رو به زوال هستیم، باشد که از طریق آنها هدایت، اطمینان و حضور خود خدا را در کنار خود بیابیم. و اگر در زمره سهل‌انگاران هستیم، باشد که خدا ما را محکوم کند و ما را به جمع توکل به خود بازگرداند.

این دکتر رابرت یاربرو در تدریس خود در مورد رساله‌های یوحنا، با عنوان «تعادل زندگی در مسیح» است. این جلسه شماره ۲ب، مضامین الهیاتی در رساله‌های اول، دوم و سوم یوحنا است.